



مروری بر نقش و فعالیت غواصان در عملیات کربلای ۴ در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از غواصان حاضر در عملیات

سختی‌ها از اشتیاق نیروها برای حضور در عملیات کم‌نمی‌کرد



تصویری از غواصان گردان ولیعصر (عج)

■ احمد محمد تبریزی
عملیات کربلای ۴ عملیات سخت و پیچیده‌ای بود. این را نیروهای غواصی که به عنوان خط‌شکن در عملیات شرکت کردند می‌گویند. آنها چندین ماه قبل از عملیات آموزش‌های سختی را پشت سر گذاشتند و شب‌ها با سختی‌های زیادی مواجه شدند. با وجود تمام سختی‌ها و خطراتی که بر سر راه عملیات وجود داشت، باز هم غواصان با جان و دل پای کار آمدند و تا آخرین لحظه نیز صحنه را ترک نکردند. غواصان زنجانی برای عملیات کربلای ۴ زحمات زیادی کشیدند و به عنوان خط‌شکن جزو اولین نیروهایی بودند که با دشمن یعنی درگیر شدند. جانباز حمید همراز از غواصان حاضر در عملیات کربلای ۴ است که فرماندهی دسته‌ای از نیروهای غواص را به او سپرده بودند. همراز از استان زنجان در این عملیات حاضر شد و از نزدیک شاهد ایثار و رشادت همشهری‌هایش بود. این جانباز دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جوان» از آموزش‌های طاقت‌فرسای قبل از عملیات و اتفاقات شب عملیات می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

شرایط سیاسی و نظامی کشور قبل از شروع عملیات کربلای ۴ به چه شکل بود؟

رزمندگان در زمان جنگ اصلاً دنبال سیاست‌بازی نبودند فقط به امام برای شان مطرح بود هر چه امام فرمان می‌داد تلاش‌شان انجام و اجرائی کردن حرف‌های امام بود. جریان مک‌فارلین قبل از عملیات کربلای ۴ مطرح شد و ما آن زمان آموزش‌ها را در سد دمی دیدیم. این موضوع تز زیادی بین رزمندگان نداشت و چون امام فرموده بودند امسال باید سال پیروزی رزمندگان باشد همه نیروها هدف‌شان عملی کردن حرف امام بود و کسی نمی‌خواست حرف امام زمین بماند. سیاست‌کاری‌ها تأثیری بر روند کار نیروها نداشت.

بنایه آموزش‌هایی که غواصان می‌دیدند برای تان مسلح شده بود که در آینده عملیاتی آبی - خاکی انجام خواهید داد؟

از حدود شهریور ماه که آموزش‌ها شروع شده بود می‌دانستیم عملیاتی آبی در پیش خواهیم داشت. غواصان مدتی در داخل شهر تبریز و زنجان تمرین می‌کردند و بعد در سد دز تمرین‌ها را ادامه دادند. تا اینجا می‌دانستیم عملیات آبی خواهد بود و کسی خبری از غواصی زیر آب نداشت. تا اینکه آموزش‌های غواصی در منطقه کارون شروع شد و همه فهمیدند در عملیات غواصی خواهیم داشت. آموزش‌های سخت و جان‌فروشی در سرمای شب‌های جنوب انجام می‌شد. در زمان آموزش‌ها رزمندگان حداقل سه شیفت آموزش غواصی داشتند. صبح تا ظهر، بعد از ظهر تا عصر و بعد از شام تا نیمه شب آموزش‌ها ادامه پیدا می‌کرد.

شما از چه زمانی وارد منطقه عملیاتی کربلای ۴ شدید؟

ما تا یازده بیست روز قبل از عملیات نمی‌دانستیم عملیات در کدام منطقه است و کجا باید وارد عمل شویم. البته بچه‌هایی که در عملیات‌های قبلی حضور داشتند بنا به مناطقی که عملیات‌ها انجام شده بود حدس‌هایی می‌زدند که در آن مناطق دیگر عملیات صورت نمی‌گیرد. مناطق هم محدود بود و مناطقی که عملیات انجام نشده بود را پیش‌بینی می‌کردند که عملیات در آنجا انجام شود. نزدیک عملیات زمانی که کادر گردان را برای شناسایی منطقه بردند تازه فهمیدیم باید کجا عملیات انجام دهیم. دوروز قبل از عملیات پای کار عملیات رفتیم.

شما که با غواصان در ارتباط بودید روحیه نیروهای غواص را چگونه می‌دیدید و آنها آماده انجام یک عملیات بزرگ بودند؟

وقتی اسم عملیات می‌آمد تمام رزمندگان مشتاق بودند در آن عملیات شرکت کنند. رزمندگانی ناراحت بودند که نمی‌توانستند در عملیات حضور داشته باشند. بچه‌های گردان‌های زنجان معمولاً در عملیات‌ها خط‌شکن بودند و هیچ وقت نبود بعد از خط‌شکن عمل کنند. مخصوصاً گردان حضرت ولیعصر (عج) که همیشه اصرار بر این بود

که خط‌شکن باشد. نیروها اشتیاق زیادی برای شرکت در عملیات داشتند. اینکه کسی بگوید عملیات سخت خواهد بود و شرکت نمی‌کنم اصلاً چنین چیزی مطرح نبود. سردار اصائلو فرمانده گردان ما بود و مثل دیگر فرماندهان بچه‌ها را تشویق می‌کرد تا در عملیات‌ها شرکت کنند و خط‌شکن باشند. قبل از اینکه عملیات‌های آموزشی شروع شود سردار اصائلو و فرمانده گردان‌های دیگر داخل گردان‌ها می‌رفتند و از بین نیروها، آماده‌ترین‌ها را انتخاب می‌کردند. غواصان را از لحاظ قدرت جسمانی جدا می‌کردند و بعد با آنها صحبت می‌کردند تا آماده عملیات شوند. به ویژه برای عملیات کربلای ۴ نخست‌نیروهایی که از نظر جسمی توانایی از سختی‌های عملیات گفته می‌شد و باز هم با گفتن از سختی‌ها و مشکلات عملیات، از اشتیاق کسی برای شرکت در عملیات کم نمی‌شد.

غواصان به لحاظ بدنی و مهارتی در چه سطحی قرار داشتند؟

غواصان حداقل سه ماه قبل از عملیات آموزش‌های آبی دیده بودند و توانایی‌های شان برای این عملیات بالا رفته بود. برخی بعداً اضافه شدند و به سطح آمادگی لازم رسیدند و برخی دیگر هم از نظر بدنی نمی‌کشیدند. فرماندهان اگر حدس می‌زدند ممکن است یک نیرو در عملیات کم بیارند



قبل از عملیات سختی کار آموزش‌های پیش از اندازه بود. علاوه بر سرما برای اینکه نیروها بتوانند خودشان را به سطح آمادگی لازم برسانند باید حداقل شش کیلومتر متر در آب با یک اشنوگل شنا می‌کردند. هماهنگی یک گردان نیرو با چنین مسائلی خیلی سخت بود. حتی دو نفر از نیروها حین آموزش شهید شدند. ابزار آلات کم بود. و زنه‌ای که غواصان باید به کمرشان می‌بستند تا وزن بدن‌شان هماهنگ شود پیدا نمی‌شد. به همین خاطر مجبور می‌شدند وزنه‌های سربی و آجر به کمرشان ببندند

آن نیرو را جدی می‌کردند و سعی در انتخاب زنده‌ترین نیروها داشتند. نیروهایی هم که می‌خواستند جدا شوند حال‌شان خیلی خراب می‌شد. شهید ابوالفضل خدامرادی تا آخرین لحظات در آموزش‌ها شرکت می‌کرد و به عنوان معاون گروهان حضور داشت ولی چون دیابت داشت گاهی اوقات حالش خراب می‌شد. قبل از عملیات سردار اصائلو ایشان را صدا کرد و گفت بهتر است در این عملیات شرکت نکنی. در گردان ما از سه گروهان، دو گروهان خط‌شکن می‌شد و یک گروهان هم به عنوان پشتیبان با قایق‌ها می‌آمد. سردار اصائلو گفت برای فرماندهی گروهان پشتیبان بمان. شهید خدامرادی از این موضوع خیلی ناراحت بود و تشدید گریه می‌کرد. چون احتمال داشت در حین عملیات برایش مشکل پیش بیاید خودش هم قبول کرد و برای گروهان پشتیبان ماند. البته شهید خدامرادی در عملیات کربلای ۵ مسئول گروهان خط‌شکن شد و همان‌جا هم به شهادت رسید. حتی آنها هم که مشکلات مثل ضعف جسمانی و بیماری داشتند هم مشتاق حضور در عملیات بودند و هیچ‌وقت نمی‌خواستند از قافله نیروها عقب بمانند.

غواصان برای این عملیات غیر از سرمای زمستان چه مشکلات دیگری سر راه‌شان داشتند؟

قبل از عملیات سختی کار آموزش‌های پیش از اندازه بود. علاوه بر



سمت راست، شهید علیرضا داورپناه در کنار هم‌رزم

عملیات از دوستان‌مان بود. سن و سال زیادی نداشت که به شهادت رسید. ما آن زمان متولد ۱۳۴۴ بودیم و ایشان متولد ۴۸ بود. چهار سال از ما کوچک‌تر بود ولی شناگر خیلی خوبی بود و قهرمان شنای زنجان بود. با نیروهای اطلاعات عملیات کار می‌کرد. شهید سهرابی و شهید یوسف قربانی از دیگر شهدای گردان ما بودند.

قبل از عملیات در جریان لورفتن عملیات نبودید؟

یک چیزهایی را حس کرده بودیم. مخصوصاً یک شب که برای شناسایی منطقه رفتیم در تاریکی و سکوت هواپیماهای عراقی از بالا منور زدند. هواپیماها مناطقی را منور می‌زدند که احساس خطر می‌کردند. منورهایی که هواپیماها می‌زدند به چلچراغ معروف بود و شب‌های عملیات از این منورها استفاده می‌کردند. چند منور زدند و منطقه مثل روز روشن شد. احساس کرده بودند که از اینجا عملیاتی انجام خواهد شد. می‌دانستند از کجا عملیات می‌کنیم فقط زمانش را نمی‌دانستند. هر شب با هواپیما چنین کاری می‌کردند و بعضی از نیروها

یک شب که برای شناسایی منطقه رفتیم در تاریکی و سکوت هواپیماهای عراقی از بالا منور زدند. هواپیماها مناطقی را منور می‌زدند که احساس خطر می‌کردند. منورهایی که هواپیماها می‌زدند به چلچراغ معروف بود و شب‌های عملیات از این منورها استفاده می‌کردند. چند منور زدند و منطقه مثل روز روشن شد. احساس کرده بودند که از اینجا عملیاتی انجام خواهد شد. می‌دانستند از کجا عمل می‌کنیم فقط زمانش را نمی‌دانستند. هر شب با هواپیما چنین کاری می‌کردند و بعضی از نیروها همان شب گفتند که اینجا لورفته است و از اینجا نمی‌شود عملیات کرد



همان شب گفتند که اینجا لورفته است و از اینجا نمی‌شود عملیات کرد. عباس راشاد از نیروهای مان گفت اگر ارتش سرخ شوروی هم بخواهد از اینجا رد شود نمی‌تواند. منتها دیگر فرماندهان گفته بودند که عملیات انجام شود و ما هم گوش به فرمان بودیم. آن عملیات را برای مان توجیه کرده بودند که بزرگ‌ترین عملیات جنگ خواهد بود و بزرگ‌ترین پیروزی به دست خواهد آمد. قدم بعدی ما بعد از گذشتن از این بود که عملیات دیگری در بصره انجام دهیم.

شب عملیات بر نیروها چه گذشت؟

شب عملیات قبل از اینکه حرکت نیروها شروع شود بچه‌ها با هم خداحافظی و ربوبی می‌کردند. می‌دانستند دیگر برگشتی در کار نخواهد بود. غواصان خودشان را برای همه چیز آماده کرده بودند. اگر عملیات پیروز هم می‌شد سخت‌ترین عملیات تاریخ جنگ می‌شد. سختی‌های عملیات خیلی زیاد بود. شب عملیات ما باید وارد آب می‌شدیم و نصف عرض رودخانه را جلوی رفتیم و بعد به سمت خلاف جهت آب برمی‌گشتیم. آب موقع مد آب شروع شده بود و باید از یک تنگه دو طرفه که دو طرفش عراقی‌ها بودند داخل آب‌های عراق می‌شدیم و در آنجا پیشروی می‌کردیم و سمت دشمن می‌زدیم. اگر متوجه نمی‌شدند باید حداقل شش کیلومتر زیر آب بانی جلو می‌رفتیم. همه نیروها یک طناب را گرفته بودند و باید چند کیلومتر حرکت می‌کردند. یک نفر جلو که از نیروهای اطلاعات عملیات بود باید ستون را می‌کشید و می‌برد، ما که وارد آب شدیم نصف عرض رودخانه را جلو رفته بودیم که گروهی از غواصان لشکر امام حسین (ع) را در حال حرکت دیدیم. مدت زیادی از شروع عملیات نگذشته بود که عراقی‌ها متوجه حضورمان شدند و شروع به زدن منور کردند. با

روشن شدن هوا ستون‌ها کاملاً دیده شد و رگبار شدید از انواع سلاح‌ها زده شد. دشمن شدیداً متطعم را می‌زد و مثل جهنم آتش می‌بارید. آن شب شهادت غواصان و رزمندگان را دیدیم. شهید یعقوب علی محمدی سرستون گروهان ما بود و ستون را کنار کشید و دیگر نگذاشت سر ستون به تنگه برسد. ایشان فقط داد می‌زد که طناب را رها کنی و خودتان را کنار بکشید. همه این کارها در حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه طول کشید و ما زیاد دور نشدیم. آب داشت سرعت می‌گرفت. یک گروهانی از ما که جلوتر رفته بود زیاد شهید و اسیر داده بود. آنجا از دو طرف نیروها را می‌زدند. از آن لحظه تا صبح می‌ریخت. تا صبح در آن منطقه ماندیم و صبح که هوا روشن شد به عقب برگشتیم.

بعد از عملیات روحیه نیروها به ویژه غواصان افت کرده بود؟

بالاخره تأثیر خودش را می‌گذاشت. از یک گردان ۴۰۰ نفره نیمی شهید شده بودند و تنها ۲۰۰ نفر مانده بودند و این موضوع ناراحتی زیادی داشت. کسانی که بیشتر در جریان عملیات بودند احساس ناراحتی می‌کردند. از یک طرف هم راه‌بویهای بیگانه و عراقی‌ها تبلیغاتی می‌کردند



و با اسرای مان مصاحبه می‌کردند و ما این گزارش‌ها را می‌دیدیم و می‌شنیدیم. تمام این کارها در روحیه نیروها اثر گذار بود. حتی بچه‌ها به فرمانده گردان‌ها پیش نهاد می‌کردند به نیروها استراحتی داده شود. دوباره به همان منطقه آموزشی برگشتیم و برای شهدا مجلسی برگزار و عزاداری کردیم. بعد هم فرماندهان گفتند خبری از رفتن نیست و برای عملیات بعدی می‌مانیم. چون برای این عملیات نیرو زیاد جمع شده بود و همه نیروها هم وارد عمل نشده بودند می‌خواستند از این ظرفیت عظیم استفاده کنند. قبل از عملیات برای جذب نیرو فراخوانی داده و رزمندگان را در قالب لشکر حضرت رسول (ص) به مناطق عملیاتی فرستاده بودند. نمی‌توانستند تمام نیروها را جمع کنند و بگویند بروید و دوباره برای اعزام فراخوان می‌دهیم. در نهایت این گونه برنامه‌ریزی شد که به نیروها گفتند باید بمانید. حتی من سرم جراحی‌تی برداشته بود گفتند زخمی‌هایی که می‌توانند بمانند در در مانگاهی در همان منطقه درمان شوند. کسانی که سطحی و سرپایی بودند همان‌جا درمان می‌شدند. من هم ماندم و برای عملیات کربلای ۵ آماده شدیم. عملیات کربلای ۵ نسبت به عملیات کربلای ۴ برای ما خیلی راحت‌تر بود. چون آموزش‌های سخت را دیده بودیم عمل کردن در کربلای ۵ برای مان راحت‌تر نبود. آموزش‌های مخصوص آن منطقه را دیدیم که آموزش‌های ساده‌ای هم بود. چون بچه‌ها هم آمادگی لازم را داشتند آموزش‌ها برای شان سخت نبود. در نهایت مرخصی‌ها را لغو و قرنطینه ایجاد کردند و دیگر مطمئن شدیم در همان محدوده عملیات خواهیم داشت.

	۱	۶			
		۵	۹	۷	
۶		۲			
	۲	۷		۵	
		۴	۷		
		۶	۹		
۱		۸			
	۹		۶	۱	
			۱	۴	۲

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۳۸۸

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۵	۴	۳	۲	۱			
۵	۴	۳	۲	۱			
۴	۳	۲	۱				
۴	۳	۲	۱				
۳	۲	۱					
۳	۲	۱					
۲	۱						
۲	۱						
۱							
۱							

طراحی: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۸۹

از راست به چپ

۱- لهجه و طرز تکلم - آب درمانی - ۲- جسد حیوان مرده - رو کار ساختمان - ووزر نگاه لندن - ۳- پنجمین رود جهان از نظر درازی - خوردنی نابه‌جا - نور انگلیسی - ۴- پشیمانی - سگ ماده - انجیر عرب - یک‌دهم - ۵- میوه خوب - رزمایش - چهره زیبا را به آن تشبیه می‌کنند - ۶- گوش ماهی - جهنم - استخوان بلند یا ۷- از میوه‌ها - تیبیا - جفت ماده - ۸- قربانگاه حاجیان - رد پا - فرش و هر چیز گسترده‌تری - هر یک از آلات موسیقی - ۹- سلطه و نفوذ - متضاد حضر - تجزیه نفت خام به سوخت‌های سبک و سنگین - ۱۰- کلیدان - نشای برنج در گیلان - اهلی - ۱۱- افت سخاوت - گسسته و جدا - سطح دست - ۱۲- کشور انجانما - مجلس اعیان - از سبزی‌های خوردنی - پرندهای شکاری - ۱۳- سوره سبحان - واحد اندازه‌گیری آب رودخانه - سیاستمدار انقلابی فرانسه که به خاطر مشاجرات زیاد با پدرش بارها به زندان افتاد - ۱۴- آدرس ترسیمی - امتحان - نیست و بر فنا - ۱۵- مرد سال فوتبال جهان در سال ۲۰۰۴ - قله

از بالا به پایین

۱- نوعی موشک - نوکر - ۲- پیروز مسابقه - زنگ - کشوری با مرکزیت لسوتو، در همسایگی افریقای جنوبی - ۳- پوست دباغی شده - ندا و آوا - آدامس سنتی - ۴- مردم قرآنی - پروردگار - ستبر و محکم - تاکار بی سروته - ۵- جاده قطار - غذایی شبیه کنتل از نخود - پهلوان - ۶- اسب چاپار - هوش - مفصل - ۷- پول زاین - حشره خونخوار - حمل و نقل کالا - ۸- نوعی پخت برنج - سوغات ارومیه - فلز چهره - ذره باردار - ۹- دستگاه تولید اورانیوم - وقت و زمان معین - نماد لاعری - ۱۰- همراه‌ویر - ضربه پیچ‌دار توپ پینگ - شکل استوانه‌ای - ۱۱- ضمیر مخاطب - شلیک - پاپی - سیل - ۱۲- رنگ نرم - خاندان شاهی پیش از هخامنشیان - از بت‌ها - قوچ - ۱۳- عبادان امروزی - از فرزندان نوح - نام امروزی شهر بارفروش - ۱۴- دامن چین‌دار - زندان مسعود سعد سلمان - گاوچران آمریکایی - ۱۵- فیلم اسپیلبرگ - مالیاتی است که از کل مراحل تولید و توزیع کالاها و خدمات دریافت می‌شود